

نشریه علمی

پژوهشنامه ادبیات تعلیمی

سال شانزدهم، شماره شصت و سوم، پاییز ۱۴۰۳، ص ۵۹-۸۶

بررسی مضامین حکمی و تعلیمی در دیوان زیب مگسی در قیاس مضامین دیگر

مجیب الرحمان دهانی،* منصور نیک پناه**

 10.71630/parsadab.2024.1195879

چکیده

میرگل محمدخان زیب مگسی از شعرای توانمند و صاحب اندیشه بلوچستان پاکستان است که غالب اشعار وی به تقلید از شاعران کلاسیک ایرانی سروده شده و دربرگیرنده اندیشه‌های اخلاقی، تعلیمی، غنایی و عرفانی است. معنا در شعر زیب مگسی بر مضمون و ساختار غلبه دارد درحقیقت او معانی بزرگ و شامخ را از شاعران صاحب سبک ایرانی گرفته و اندیشه‌های خویش را بر آن مزید کرده است. آنچه به کلام زیب مگسی انسجام بخشیده، انتخاب معانی مناسب و موفق در موضوعات و موقعیت‌های متفاوت است. هدف از پژوهش پیش رو آن است تا با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای ذهن و معنا در اشعار میرگل محمد زیب مگسی با استفاده از آمار و نمودار به صورت علمی مورد بررسی قرار بگیرد. براساس بررسی‌های صورت گرفته شاعر ضمن اینکه در سرایش اشعار خود به ساختار و صنایع مختلف شعری توجه بسیاری داشته و نوآوری‌هایی در محور عروضی و طبع‌آزمایی‌هایی در انواع شیوه‌های شعری از خود نشان داده، نه تنها از اندیشه و معنا غافل نبوده بلکه به صورت ظریفی به مفاهیم شعری توجه نشان داده است. در دیوان‌های وی مضامین تربیتی و اخلاقی بسامد بسیاری دارد و سایر مضامین رایج در شعر وی شامل عناصر

* دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

mojibdehani1372@gmail.com

** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، مجتمع آموزش عالی سراوان، سراوان، ایران (نویسنده مسئول)

m.nikpanah@saravan.ac.ir

تاریخ پذیرش ۱۴۰۳/۰۹/۲۸

تاریخ وصول ۱۴۰۳/۰۶/۰۸

عرفانی، عاشقانه، مذهبی، حکمی، پند و اندرز، مدح و ستایش و منقبت به چشم می‌خورد که حاصل غور و مداقه وی در دیوان‌های شعری بزرگان ادب فارسی است. در مقایسه کلی، مضامین اخلاقی حدود ۴۹ درصد اشعار را تشکیل می‌دهد. پس از مضامین عاشقانه ۲۲ درصد، مضامین حکمی ۱۳ درصد، مضامین عرفانی ۹ درصد و مضامین دینی ۷ درصد مضامین را دارا هستند.

واژگان کلیدی: زیب مگسی، معنا، اخلاق، معنویت، حکمت.

۱. مقدمه

شاعران در هر عصر و زمانه‌ای با توجه به مقتضیات زمانه خود می‌سرایند و عناصر اجتماعی و فرهنگی و اعتقادی را در اثر خود منعکس می‌کنند. شعر فارسی دارای سرچشمه‌های متعددی است؛ به‌ویژه شاعران متأخر از آیشخورهای فراوان بزرگان ادبی نیز بهره می‌گیرند و اگر نوآوری‌هایی نداشته باشند، شعر آن‌ها تقلیدی صرف از آثار دیگران خواهد بود؛ درحالی‌که شعر حادثه‌ای است که در زبان رخ می‌دهد و تازگی آن از ویژگی‌های مهم است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۵). نواب میرگل محمد در سیزدهم رمضان سال ۱۳۰۱ ق به دنیا آمد. پدرش نواب قیصرخان از سرداران نامی و بزرگ پاکستان به شمار می‌رفت که زیب مگسی بعد از پدر عهده‌دار قبیله خود می‌شود و در همین دوره به‌عنوان شاعری چندزبانه مطرح می‌شود. نخستین اثر منظوم زیب مگسی *زیب‌نامه* یا *پنج گلسته* زیب است که مشتمل بر پنج دیوان مختصر فارسی با ۳۳۸۵ بیت است و در سرودن آن از صنایع مختلفی استفاده کرده است؛ ازجمله اینکه اشعاری را با الزام حذف یکی از حروف الفبا یا الزام به کاربرد حروف بی‌نقطه یا نقطه‌دار سروده است و همچنین طبع خود را در بحور مختلف آزموده و بحرهای چندی هم از خود ابداع نموده است. ازاین‌رو دیوان وی میدان طبع‌آزمایی متکلفانه اوست و درعین حال از معنا غافل نمانده است. *خزینة الاشعار* اثر دوم وی است. شعرش روان و زبان و بیان ساده و استوار است. این شاعر گران‌قدر و فارسی‌گوی ایالت بلوچستان پاکستان در سال ۱۹۵۳م در هفتادسالگی چشم از جهان فروبست (ریاض، ۱۳۵۶ش: ۷۷؛ رضوی، ۱۳۵۳: ۲۵۰؛ کوثر، ۱۹۶۸: ۱۶۰) و در روستای اجدادی خویش جهل مگس به خاک سپرده شد.

(عباس، ۱۹۹۶م: ۳۸؛ ابراهیمیان، ۱۳۷۸: ۱۳۳). او در زمان خود لقب ملک‌الشعرایی داشت آثار وی شامل سه کتاب است: *خزینة الاشعار*، در سال ۱۹۳۱م و *زیب‌نامه* در سال ۱۹۳۶ در لکنهو چاپ شده و *ارمغان عاشقان* تاکنون به چاپ نرسیده است. در دیوان‌های وی مباحث ادبیات تعلیمی، اخلاقی، جامعه‌شناسی و جامعه‌شناختی، سیاسی و حکمرانی، حکمی و دینی و فرهنگی به چشم می‌خورد که موضوع این تحقیق است. در پایان به این پرسش اصلی پاسخ می‌دهیم که درون‌مایه‌های اصلی شعر گل‌محمد زیب مگسی چیست و به کدام یکی از عناصر معنایی بیشتر توجه نشان داده است؟

۱-۱. اهداف و ضرورت تحقیق

زیب مگسی شاعری از دیار بلوچستان است که به چند زبان شعر سروده است و در این تحقیق اشعار فارسی وی در دو دیوان چاپ‌شده بررسی می‌شود. اهمیت این شاعر بهره‌گیری از آثار پیشینیان و تضمین اشعار آن‌ها و همچنین طبع‌آزمایی به اشکال مختلف است که ایجاب می‌کند برای شناخت شخصیت شعری وی تحقیق بیشتری صورت گیرد؛ بنابراین اهداف تحقیق شامل این موارد است:

۱. شناخت بن‌مایه‌های شعری زیب مگسی؛
۲. شناخت بسامد کاربرد مضامین مختلف در اشعارش.

۲-۱. پیشینه تحقیق

علی‌شاه (۱۳۸۳) در مقاله «زیب مگسی سخن‌سرای برجسته قرن چهاردهم هجری» به معرفی این شاعر و آثار او پرداخته است. وی همچنین در مقاله «بازتاب غدیر خم در قصاید زیب مگسی» (همو، ۱۳۸۹) به بررسی بازتاب این واقعه در شعر گل‌محمدخان پرداخته است. براساس این مقاله، در دیوان *خزینة الجواهر* ۵۱ قصیده در شأن امام علی سروده شده است. همچنین شجاع‌زاده (۱۳۹۵) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان *بررسی عناصر پنج‌گانه شعری در دیوان گل‌محمدخان زیب مگسی*، عناصر شعری آثار این شاعر را از جهات مختلف بررسی نموده و با نمودارهایی بسامد آن‌ها را نشان داده است. این عناصر عبارت‌اند از: تخیل، عاطفه، موسیقی، زبان و شکل شعر.

۳-۱. روش تحقیق

این تحقیق به روش توصیفی تحلیلی انجام شده است؛ به این ترتیب که با خوانش اشعار گل محمدخان، مواردی که دلالت بر حوزه معنایی می‌کند، فیش‌برداری، طبقه‌بندی و تحلیل شده است.

۲. بحث

۲-۱. معرفی آثار

اشعار کتاب خزینة الاشعار همه در قالب مسمط پنج مصراع سروده شده و همه آنها تضمین غزلیات شاعران معروف‌اند. شاعرانی که وی در مخمسات خود اشعار آنها را تضمین کرده است، شامل شاعران ایرانی، افغانی و هندی هستند که برخی مشهور و برخی گمنام‌اند. نزدیک به صد شاعر در این مخمسات تضمین شده‌اند و برخی از آنها را چندین بار در شعر خود آورده است؛ مانند صائب، حافظ، سعدی، میرجان محمد لوه‌ری، جامی و نظامی. زیب‌نامه در ۱۳۳۲ش اختتام یافته و بیشتر اشعار آن در قالب غزل است. این غزل‌ها از لحاظ الفبایی ترتیب یافته است. زیب در این غزلیات، از آنچه معمول عام بوده فراتر رفته است. قاعده این بوده که حرف آخر ردیف ابیات به ترتیب هجایی می‌آمد. اما زیب حرف اول ابیات غزل‌ها را نیز از همان حرف هجایی آغاز کرده که شعر به آن ختم می‌شود. در واقع به دنبال ایجاد طرح‌های تازه و نوآوری در شعر است و همین امر موجب شده دیوان وی بسیار خاص باشد. نمونه‌ای از این نوآوری را در این غزل می‌بینیم:

ای از بهشت بوی تو خجلت بهار را پیچ از کمند موی تو مشک تبار را

آهو بر آهوست ز حیای چشم تو غم از غبار خط تو خط غبار را

(زیب مگسی، ۱۹۹۵م: ۱)

این کتاب را به چند بخش تقسیم نموده و برای هر یک نامی گذاشته است. بخش ابتدای کتاب زیب‌نامه، شامل غزل‌هایی است که براساس حرف اول و آخر ابیات نام‌گذاری شده که شامل ۲۶ حرف الفباست، بخش دوم کتاب، «دیوان عجیب» نام دارد که در آن ۲۸ غزل را در صنعت ترک حروف سروده که شامل همه حروف الفبا می‌شود. مانند «غزل در صنعت ترک

النون» با مطلع:

ای به تاج خو بروی پادشاه شمع پیش تو چو پیش مهر و ماه

(همان: ۲۶)

«دیوان البحور» پنج گلدسته، بخش سوم کتاب است که به فراست زیب در علم عروض شناخته می‌شود. زیب در آن در بحور مختلف ۱۵۳ غزل سروده است. بخش چهارم کتاب «الصنایع ترجیع‌بند» نام دارد که در آن اشعاری در قوالب ترجیع‌بند، ترکیب‌بند، مستزاد، مثلث، مربع، مخمس، مسدس، مسبع، مثنی، متسع، معشر و همچنین غزل در صنایع مختلف از جمله جمع، تقسیم، تفریق، جمع و تفریق، جمع و تقسیم، جمع و تفریق و تقسیم، صنعت طباق، صنعت اطراد، ارساد، سیاق‌الاعداد، قول بالموجب، مقابله، مراعات‌النظیر، لف و نشر و...، قصیده بی‌نقطه، قصیده کاملاً فارسی و قصیده مصنوع آمده است.

۲-۳. بحث در گستره معنایی

مضامین شعری هر شاعر برگرفته از نیات درونی شاعر و براساس اعتقادات و زمانه زندگی هر شاعر است. زیب مگسی، شخصیتی مذهبی و عارف‌مآب دارد و با آثار اغلب شاعران آشناست و پیداست که در همه آن‌ها غور کرده و مضامین شعری را خوب می‌شناسد و با توجه به اینکه در کتاب خزینة الاشعار غزل‌های بسیاری از شاعران را تضمین کرده، مضامین وی شامل همه سروده‌های تضمین‌شده است که اغلب در حوزه اخلاق و عرفان است و در لابه‌لای آن‌ها مباحث عاشقانه و حکمی و دینی نیز مطرح می‌شود. اگر حس و حال و معانی انسانی و بزرگ در شعری مطرح نباشد، قدرت کلام و والایی سخن شاعر و احاطه او بر زیر و بم‌های زبان هنری نیز جای آن معانی و عواطف انسانی را نخواهد گرفت و سخن او متکلف و بی‌روح خواهد بود. بنابراین باید گفت روح هر سخن هنری، معنا و عاطفه است و بی‌آن کلام گوینده سرد و بی‌روح و بی‌تأثیر خواهد بود. این معانی خواه‌ناخواه از تجربیات زندگی فردی و اجتماعی شاعر نشئت می‌گیرد و زمینه عاطفی شعر او را فراهم می‌آورد (خلیلی جهان‌تیغ، ۱۳۹۳: ۵۵).

مهم‌ترین معانی که در شعر زیب به کار رفته، عبارت از این مؤلفه‌هاست: اخلاقیات، عشق، عرفان، حکمت، حمد، منقبت، مدح و ستایش.

۲-۳-۱. مضامین حکمی

در میان مضامین حکمی، دنیاگریزی با بسامد ۲۶ درصد، بیشترین مضمون را تشکیل می‌دهد. این مضمون به شکل‌های مختلف مستقیم و غیرمستقیم در اشعار زیب آمده است. مضمون ناپایداری دنیا دارای بسامد ۱۷ درصد و مضمون دوراندیشی و عبرت دارای بسامد ۱۴ درصد است. پس از آن امید با ۱۰ درصد بسامد و بدذاتی فلک با بسامد ۷ درصد قرار دارد. (نمودار ۱). سایر مضامین اهمیت چندانی ندارند. بنابراین می‌بینیم که تأکید زیب مگسی بر گذشت روزگار و ناپایداری دنیاست؛ از این رو زندگی دنیایی را نباید جدی گرفت. به نمونه‌هایی از این مضامین اشاره می‌شود:

۲-۳-۱-۱. تسامح و تساهل

به عقیده زیب مگسی تعصب در هیچ موردی خوب نیست و حتی باید با منکران نیز رفتار خوبی داشت:

تعصب خاک بر سر می‌رود از کوچه‌ام بیرون به منکر هم موافق می‌شوم این است

(همان: ۱۶۰)

منظور وی این است که در مورد هیچ اعتقاد و دینی نباید تعصب داشت و با همه نوع اعتقادی می‌توان سازگار بود. این نوع تسامح را در آموزه‌های مسیحیت نیز می‌بینیم که در انجیل آمده است حتی با دشمنانتان مهربان باشید و بدرفتاری نکنید.

خم می‌بر سر صناعان چو بدیدیم بگفتیم عشق پروانه کند باشد اگر مانع مذهب

از تعصب زنی گام بصحرایی شهرت باش معروف چو معروف به پهنایی مشرب

(همان: ۲۰۵)

۲-۳-۱-۲. مرگ‌اندیشی

در هنگام ناامیدی مرگ را بیشتر می‌پسندد:

زیب کام من است مرگ کنون ناامیدی چو حاصل است مرا

(همان: ۱۰۱)

۲-۳-۳. بدذاتی فلک

او انسان‌ها را نصیحت می‌کند که از دنیا و فلک انتظار نیکی نداشته باشند زیرا نیش و نوش آن باهم است:

خیال خوردن حلوا مبند زیر فلک که نوش نیز کم ز زهر نیست زین طباح

(همان: ۷)

فلک بدخواه و بر کین است با تو نظر بر همت دلخواه باید

(همان: ۴۴)

آسمان قصاب بیرحمست ما چون گوسپندان زیب خواهد کشت روزی کارد این قصاب ما

(همان: ۵۸)

۲-۳-۱-۴. ناپایداری دنیا

یکی از موضوعات مورد توجه زیب مگسی در مجموعه اشعارش بحث دنیاگریزی است. زیب از دنیا تصویری بسیار ناامیدانه دارد. دنیا و لذت‌های گذرای آن شایستگی دل بستن را ندارد. در نگاه وی دنیا مردار است و عارفان دنیاپرست نیستند و به عالم بالا می‌اندیشند.

اهل دنیا بهر دنیا می‌روند عاشقان در ملک بالا می‌روند

عارفان در قعر دریا می‌روند آن فقیرانی که اینجا می‌روند

(همان: ۶۴)

زیب به دنیا می‌تازد. در دیدگاه زیب دل بستن به دنیا نامعقول و مایه بیخردی است؛ زیرا دل بستن‌های زودگذر انسان را سرگردان می‌کند و در نهایت در این بیت جهان غدار را مانند علفزاری می‌داند؛ همان گونه‌ای که دیدگاه منفی و تحقیرآمیز عارفان نسبت به دنیا و حیات دنیوی برکسی پوشیده نیست.

چيست دنیا راحت ظل سحاب زندگی برف است و گیتی آفتاب

(زیب مگسی، ۱۹۹۵: ۲۶)

دل کن ز تعلقات دنیایی کن شاهی حالت گدایی را

(همان: ۴۶)

۲-۳-۱-۵. صبر کردن

برای بیان این مضمون تلمیحی به داستان یوسف(ع) دارد که یادآور صبر یعقوب و یوسف

برای دیدار یکدیگر است:

به زندان صبر کن ای زیب همچون یوسف کنعان که دامن مژده ات گوید سروش غیب ناگهان
(همان: ۳۹)

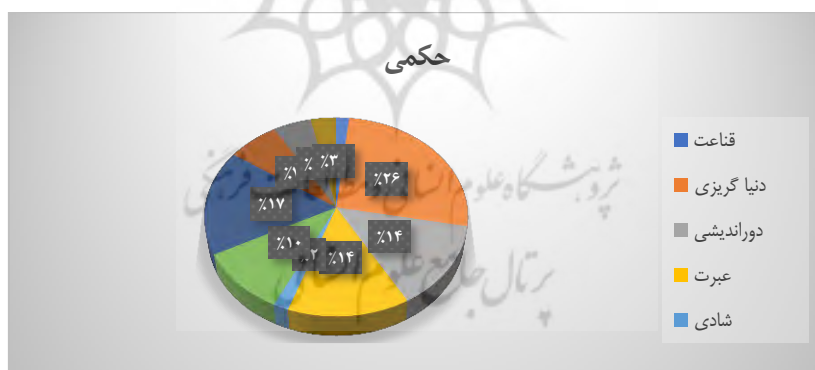
۲-۳-۱-۶. قناعت

وی در مخمسی که با غزل صائب سروده، به مردم توصیه می‌کند که برای مال دنیا کمتر خود را آزار دهند و از نااهلان چیزی طلب نکنند.

برای استخوان‌ها چون سگان در هر طرف کم شناس از زور جمعیت کباب و قند نان جو
مجو شربت ز نااهلان به طاس آب قانع شو حیات جاودان خواهی به صحرای قناعت رو
(همان: ۳۷)

جدول ۱: مضامین حکمی

مضامین	تساهل و تسامح	مرگ‌اندیشی	بدذاتی فلک	ناپایداری دنیا	امید	شادی	عبرت	دوراندیشی	دنیاگریزی	قناعت	کل
بسامد	۶	۹	۱۲	۳۰	۱۸	۳	۲۴	۲۴	۴۶	۳	۱۷۵



نمودار ۱: بسامد مضامین حکمی

۲-۳-۲. مضامین عرفانی و فلسفی

زیب مگسی گرایش فوق‌العاده‌ای به تصوف داشته و مرید خواجه غلام فرید چشتی بوده است و چندین قصیده در عرض ارادت نسبت به وی دارد (خلیلی جهان‌تیغ، ۱۳۹۳: ۲۲). در شعر زیب اشارات بسیاری به مضامین عرفانی شده است و می‌توان گفت یکی از بن‌مایه‌های

مهم شعر وی همین مضامین است که اغلب با مضامین عاشقانه و اخلاقی در هم آمیخته است. در این بخش برخی از مضامین به شکل آماری بررسی شده است.

براساس داده‌های آماری، بیشترین مضمون عرفانی نفس‌ستیزی و سلوک عرفانی است که ۱۳ درصد بسامد دارند. پس از آن وحدت وجود، توکل و تسلیم و رضا با ۱۱ درصد بسامد قرار می‌گیرند. جبر و اختیار ۸ درصد، جاودانگی ۷ درصد، توسل به پیر ۶ درصد، کرامت و قرب ۵ درصد، ارزش انسان ۴ درصد و توحید و همت ۳ درصد بسامد دارند (نمودار ۲).

۲-۳-۲. وحدت وجود

وحدت وجود از نظریات عرفانی است که معتقدان آن می‌گویند: «موجودات مظهر خدایند و ورای این مظاهر یک حقیقت فناپذیر وجود دارد که خدایش می‌نامیم» (سهروردی، ۱۳۷۵: ۵). خواجه عبدالله در *مناجات‌نامه* نیز به صراحت می‌گوید غیر از خدا هیچ‌چیز وجود ندارد: الهی! همه تو، ما هیچ، سخن این است، بر خود مپیچ (انصاری، ۱۳۸۲: ۳). زیب مگسی در باب وحدت وجود بیاناتی دارد که یادآور اشعار مولوی است. مولانا همه‌چیز را خداوند می‌بیند و خداوند را نیز در همه‌چیز تجلی یافته می‌داند:

نوح تویی روح تویی فاتح و مفتوح تویی سینه مشروح تویی بر در اسرار مرا

(مولوی، ۱۳۸۴: ۶۳)

او همه عناصر را جلوه‌ای از خدا می‌داند و می‌گوید خدا در همه‌چیز هست و جمال او را در عناصر طبیعت می‌توان تماشا کرد:

تویی خود گوهر و هم موج دریا تویی خود گلشن و هم کوه و صحرا

تویی خود آسمان و ماه و بیضا چو خورشید جمالت گشت پیدا

(زیب مگسی، ۱۹۹۶م: ۲۹)

همچنین او در باب وحدت و کثرت می‌گوید در عالم وحدت نیک و بد وجود ندارد و همه‌چیز یکسان است. این اعتقاد را در آرای مولوی و برخی متصوفه نیز می‌توان دید:

به وحدت نیست فرق نیک و هم بد یکی دان سنگ خارا و زیرجد...

ز وحدت می‌شود کثرت فراموش یکی دانستن ایمان است و هم هوش

(همان: ۲۹)

مولوی نیز در این مورد چنین گفته است:

همه جورها وفا شد همه تیرگی صفا شد	صفت بشر فنا شد صفت خدا درآمد
همه نقش‌ها برون شد همه بحر آبگون شد	همه کبریا برون شد همه کبریا درآمد
همه خان‌ها که آمد در آن به سوی دریا	چو فزود موج دریا همه خان‌ها درآمد

(مولوی، ۱۳۸۴: ۳۱۸)

۲-۲-۳. توسل به پیر

پیر در ادب عرفانی از ملزومات سالک است. زیب مگسی هم به این امر واقف است و در این ابیات اشاره می‌کند که حب پیر موجب رسیدن به حق و وصل یار است، زیرا او قبلاً واصل شده است. در این ابیات هم اصطلاحات عرفانی وصل، واصل، فیض، کامل، آینه، همت و رضا به کار رفته است:

ولای حق ز حب پیر در دل می‌شود پیدا	ز شغل دم کلید قفل مشکل می‌شود پیدا
مراد وصل یار از شیخ واصل می‌شود پیدا	صفای دل ز فیض پیر کامل می‌شود پیدا

(زیب مگسی، ۱۹۹۶م: ۲۳)

۲-۲-۳. جاودانگی

فنا و بقا از اصطلاحات عرفانی است که زیب به آن توجه نشان داده و در اشعار خود دنیا را به صحرایی فانی تشبیه نموده که در برابر ملک جاودانی قرار دارد. رسیدن به این مقام را هم در گرو رضا و خاموشی دانسته است:

از این صحرای فانی دل به ملک جاودان درکش	رضا باغیست دلکش رخت در این بوستان درکش
سراندر جیب خاموشی و گفتار و بیان درکش	جهان تیره‌ست و ره مشکل جنیت را عنان درکش

زمانی رخت هستی را به خلوتگاه جان درکش

(همان: ۲۰۷)

۲-۲-۴. کرامت

او در مخمس‌ی که با تضمین غزل حافظ سروده، به این ویژگی عارفان اشاره کرده که می‌توانند از عناصر بی‌ارزش، طلا و گوهر بسازند و یا طالع نحس را تبدیل به سعد کنند. او در ادامه چنین می‌گوید که با رندی و زاهدی نمی‌توان به مرتبه بلند دست یافت، بلکه به

عنایت خداوندی مربوط است. او با تضمین ابیات حافظ در این مخمس به نوعی گفتار خود را تکمیل نموده است:

روشندلان از همتی مس را طلا کنند سنگ سیاه را گهر بی بها کنند
هم بوم را سعید به رنگ هما کنند آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند

آیا بود که گوشه چشمی به ما کنند..

امکان مرتبت نه به رندی و زاهدیست آرام و عافیت نه به رندی و زاهدیست
هم رشد منزلت نه به رندی و زاهدیست چون حسن عاقبت نه برندی و زاهدیست
آن به که کار خود به عنایت رها کنند

(همان: ۱۱۲)

به نظر وی کرامت بهره کسی می شود که در پی آزار خلق نباشد و چون دلش صاف می شود، این مقام را پیدا می کند. دلیلی که برای این مهم تمثیل می کند، قصه فریدون است که چون ضحاک را نکشت، توانست به شاهی برسد.

کرامت ار طلبی دست برکش از آزار که یافت فتح فریدون ز عدل بر ضحاک

(همان: ۱۲)

۲-۳-۲. ارزش انسان

در این مخمس با تضمین غزل سید میرجان محمد سندی اللوهروی، اهمیت وجود انسان را به عنوان اصل و هدف خلقت بیان نموده است. او انسان را لایق عرش می داند به طوری که همه عناصر کائنات در وجود او هست و باید متجلی شود:

طاق عرش جلوه گر بالین خواب آدمی ست درحقیقت قلزم اعظم حباب آدمی ست
نود و نه اسم عامل در حجاب آدمی ست روی محبوب ازل زیر نقاب آدمی ست
عالم آرا آفتابی در سحاب آدمی ست

(همان: ۸۷)

۲-۳-۲. نفس ستیزی

زیب مگسی مبارزه با نفس و عوامل آن را نخستین گام در راه تحقق هدف خود که همانا

حق تعالی است می‌داند و برای سرکوبی آن انواع سختی‌ها و خویشتن‌داری‌ها، چله‌نشینی‌ها و خلوت‌گزیدن‌ها و ریاضت‌ها را توصیه می‌کند. وی نفس را کانون اخلاق و عادات ناستودهٔ انسانی می‌داند و آدمی را موظف به مجاهدهٔ آن می‌کند و می‌گوید در تن تو پلیدی‌هاست. مارها و کژدم‌ها در وجود تو خفته‌اند و تو آگاه نیستی. این نفس کافر مدام در سرکشی است. هرچند او را دور کنی، با جسارت تمام باز می‌گردد. طعامش مده؛ با مرگِ نفس سرکش است که برکت و آسایش نصیب آدمی می‌گردد:

مار نفس خویش کشتم مهرهٔ راحت رسید برکت چوب کلیم از مرگ ثعبان یافتم

(زیب، ۱۹۹۵: ۱۵۶)

پیکار نفس چیست وداع سرور خواب گر می‌کنی جهاد، شنو این صدا مخسپ

(همان: ۲)

قدم به راه بنه زانکه مفس توسن کیش نه رام گردد الا به تازیانهٔ عشق

(همان: ۱۲)

۲-۳-۲-۸ جبر و اختیار

زیب مگسی معتقد به جبر است. جبر در لغت معانی گوناگون داشته اما یکی از معناهای آن مقابل اختیار است و به معنی ناچار به کاری بودن آمده است (معین، ۱۳۷۲: ۳۶۱). در دنیای عرفان اختیار انسان معنایی ندارد و در واقع عرفا قائل به این هستند که در صورتی که خدا نخواهد، سعی و تلاش انسان بیهوده است. البته این جبر نه چنین است که اختیار انسان را به کلی نفی کند، بلکه خواست خدا را در اولویت می‌داند؛ اما اگر چیزی نصیب انسان باشد ولی تلاشی صورت نگیرد، به آن نخواهد رسید. به نظر می‌آید گل محمدخان نیز قائل به این نوع جبر است؛ زیرا تلاش را بدون قسمت و نصیب بی‌فایده می‌داند، به طوری که اگر وصال نصیب عاشق نباشد، به آن نمی‌رسد:

سعی خود هیچ است گر نبود نصیب گوهر مقصد نیابد هر لیب

صد نهنگ استاده با شکل مهیب ژرف دریایی ست عشقش ای رقیب

(همو، ۱۹۹۶م: ۱۹۸)

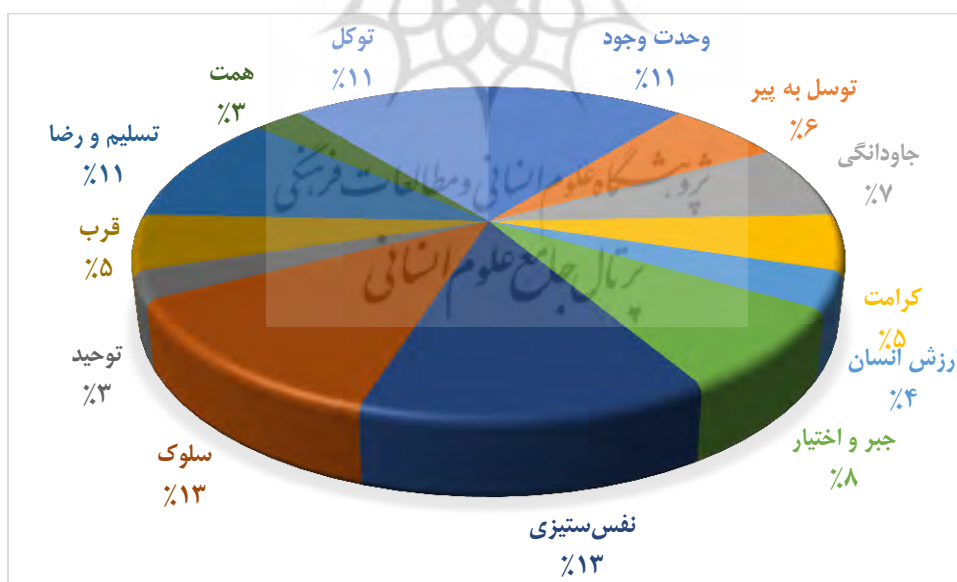
۹-۲-۳-۲. خداشناسی و سلوک

زیب درباره شناخت خداوند نیز ابیاتی سروده است و ذات حق را به شکلی متناقض‌نما در عین پنهانی پیدا می‌داند و منظورش این است که همه جهان آینه‌ای است که خدا در آن پیداست. وی حضور را یکی از عناصر رسیدن به مقام قرب می‌داند.

وجود حق همه پنهان و پیداست جهان مرآت حسن شاهد ماست
هرآن‌کس را که ذوق آشنا نیست مقام یخودی قرب خدایی ست
پی تأثیر از غیبت حذر کن به صلح عام خود را پر اثر کن
(همان: ۸۳)

جدول ۲: بسامد مضامین عرفانی

مضامین	وحدت وجود	توسل به پیر	جاودانگی	کرامت	توحید	قرب	تسلیم و رضا	همت	توکل	ارزش انسان	جبر و اختیار	نفس ستیزی	سلوک	کل
بسامد	۱۲	۷	۸	۶	۳	۶	۱۲	۳	۱۲	۴	۹	۱۵	۱۴	۱۱۱



نمودار ۲: بسامد مضامین عرفانی

۲-۳-۳. مضامین اخلاقی

از اساسی‌ترین و مورد توجه‌ترین مضمون‌های اخلاقی شعر زیب مگسی در بخش فضایل اخلاقی می‌توان به این موارد توجه داشت: صلح و دوستی با ۲۹ درصد بسامد و در بخش تساهل و تسامح نیز درمی‌یابیم که شاعر تمایل به دوستی با همهٔ ادیان دارد و طبیعی است که مضمون صلح دارای بسامد فراوان باشد. پس از آن، مضمون احسان ۱۵ درصد، راستی و درستی و کمک به سائل ۷ درصد، انتقادپذیری و جوانمردی ۵ درصد و سایر موارد کمتر از ۴ درصد بسامد دارند (نمودار ۳). زیب مگسی مضامین اخلاقی را در ذیل اشعار عرفانی و عاشقانه و قلندری آورده؛ از این رو بسامد این مضمون تقریباً یکسان است و به‌طور پراکنده در دیوان‌های وی دیده می‌شود. در بخش رذایل اخلاقی بیشترین بسامد مربوط به مضمون جور و بیدادگری با ۱۶ درصد بسامد است. پس از آن بدزبانی ۱۰ درصد، بداندیشی، بدخویی و جاسوسی هر کدام ۹ درصد، تکبر، عیب‌جویی و ادعای توخالی هر کدام ۸ درصد، غیبت ۶ درصد و سایر موارد کمتر از ۵ درصد بسامد دارند (نمودار ۴).

۲-۳-۳-۲. راستی

راستی و درستی در عالم عشق و عرفان از اهمیت زیادی برخوردار است. زیب می‌گوید برای داشتن بخت بلند باید راستی پیشه کنی تا همه چیز از تو تبعیت کند. او به قدرت کائنات باور دارد و از این رو اعمال انسان را تأثیرگذار می‌داند و از سویی دیگر افراد کثر و ناراست در اندیشهٔ او در میان مردم جایی ندارند:

راست‌بازی شیوه کن خواهی اگر بخت بلند	تا نه سر تابند از تو کج مشو مثل کمند
با کج‌ان هرگز نسازد هم‌نشینی هوشمند	راستان زآمیزش کج‌سیرتان کم می‌شوند
دور دیگر شد که در موج است از یاران کجی	حب جاه آموخته با خیل دین‌داران کجی

(همان: ۱۰۰)

۲-۳-۳-۲. صلح و دوستی

ویژگی او تسامح و تساهل است و همچنان که از تعصب بیجا ناراضی است توصیه می‌کند که با همه در صلح و دوستی باشید:

با همه کس صلح خو کن باش بار کائنات	مثل گل پرخنده می‌زی در بهار کائنات
------------------------------------	------------------------------------

(همان‌جا)

۲-۳-۳. حلم و بردباری

بردباری را به زرهی تشبیه می‌کند که موجب حفاظت از دشمنان می‌شود و همچنین توصیه به تحمل می‌کند، زیرا از این طریق می‌توان به مقصود رسید:

پیوش زره حلم از برای دفع خصومت که بر مخالف آرد شکست فاش تحمل
(همان: ۱۰۱)

بی‌حلم و تحمل در طرفی نرسی بشکوهی یا شرفی
کان قطره که رفت سوی صدف بی‌صبر و سکوت گهر نشود
(همو، ۱۹۹۵: ۳۵)

۲-۳-۴. کمک به خلق خدا

وی معتقد است چون همیشه روزگار یکسان نخواهد ماند، پس باید به کسانی که نیازمند هستند کمک کرد، زیرا ممکن است ما هم روزی محتاج شویم. و همچنین بیان می‌کند که کریمان در هنگام بخشش کاری به نیک و بد افراد ندارند و تلویحاً می‌گوید باید مانند ابر باشی که بر همه جا بباری و کاری به نتیجه‌اش نداشته باشی:

به یددستی بده دستی که در دنیا نخواهد ماند دائم دست تو بالا
(همان: ۴۳)

به نیک و بد کند احسان کف کریم ای زیب تمیز شوره و گلزار نیست کار سحاب
(همان: ۲)

۲-۳-۴. ستمگری

به نظر گل محمد کسی که ظلم کند، بنیاد وی از سوی عالم بالا کنده می‌شود؛ به طوری که دیگر کسی نشانی از آن نمی‌بیند؛ همان‌طور که باغ شداد دچار چنین بلایی شد:

می‌شود بنیاد ظالم بی‌نشان از آسمان کس نمی‌بیند به دنیا گلشن شداد را
(همان: ۲۳۶)

۲-۴-۵. عیب‌جویی

زیب مگسی به عمل و عکس‌العمل اشاره می‌کند و می‌گوید اگر از دیگران عیب‌گیری، آن‌ها نیز عیب تو را می‌جویند:

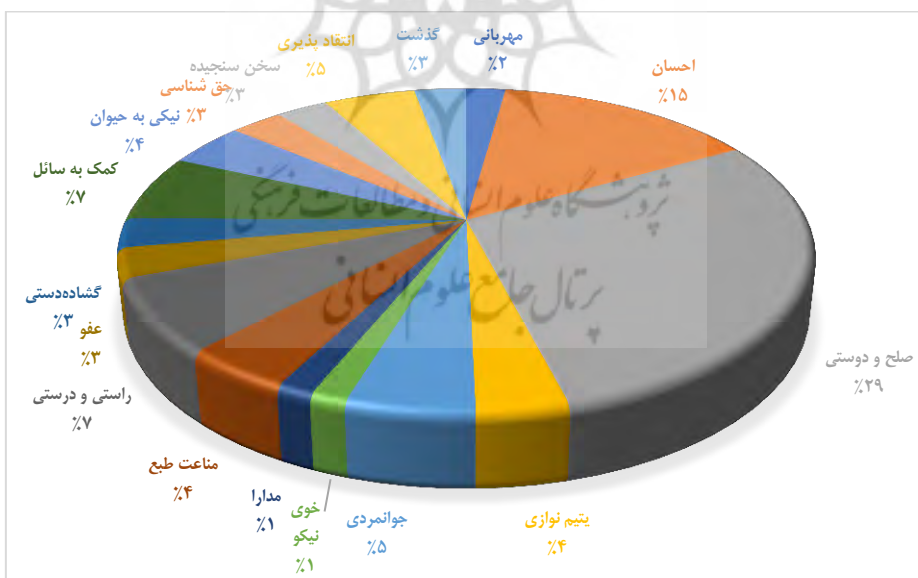
گر بخواهی که نبندند به بالای تو عیب دار خاموش لب از عیب و خطای دگران
(همان: ۶۱)

۲-۳-۴. عیب‌جویی

او عیب‌جویی را همانند گزیدن می‌داند و خود را از این صفت بری می‌کند:
عیب‌جوی کس نیم با کس نه هرگز حاسدم نی گزنده مثل مارم نی درنده چون ددم
(همو، ۱۹۹۶م: ۳۳۴)

جدول ۳: بسامد فضایل اخلاقی

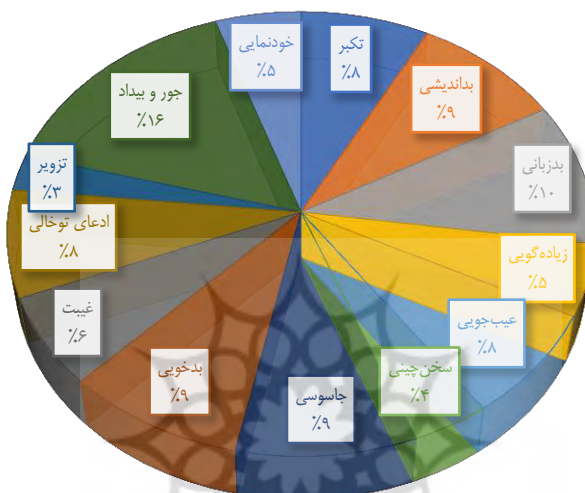
مضمون	بسامد	مضمون	بسامد	مضمون	بسامد	مضمون	بسامد
مهربانی	۹	خوی نیک	۶	گشاده‌دستی	۱۲	انتقادپذیری	۲۱
احسان	۶۰	مدارا	۶	راستی و درستی	۳۰	گذشت	۱۲
صلح و دوستی	۱۲۰	مناعت	۱۸	صدق و اخلاص	۹	نیکی به حیوان	۱۸
یتیم‌نوازی	۱۵	کمک به سائل	۲۷	حق‌شناسی	۱۲	کل	۶۴۵
جوانمردی	۲۱	عفو	۱۲	سخن‌سنجیده	۱۲		



نمودار ۳: بسامد فضایل اخلاقی

جدول ۴: بسامد رذایل اخلاقی

مضمون	بسامد	مضمون	بسامد	مضمون	بسامد	مضمون	بسامد
تکبر	۱۸	عیب‌جویی	۱۲	غیبت	۱۵	خودنمایی	۱۲
بداندیشی	۲۱	سخن‌چینی	۹	ادعای توخالی	۱۸	کل	۲۲۵
بدزبانی	۲۴	جاسوسی	۲۱	تزویر	۶		
زیاده‌گویی	۱۲	بدخویی	۲۱	جور و بیداد	۳۶		



نمودار ۴: بسامد رذایل اخلاقی

۲-۳-۴. مضامین عاشقانه

عشق مهم‌ترین رکن طریقت است و این مقام را تنها انسان کامل که مراتب ترقی و تکامل را پیموده است درک می‌کند. عاشق را در مرحله کمال عشق حالتی دست دهد که از خود بیگانه و ناآگاه می‌شود و از زمان و مکان فارغ و از فراغ محبوب می‌سوزد و می‌سازد (سجادی، ۱۳۸۹: ۵۸۱). اولین ریشه مهم بحث از عشق در فرهنگ غرب به رساله ضیافت افلاطون و رساله اخلاق ارسطو می‌رسد. تقسیم عشق به شهوی جسمانی و معنوی روحانی هم از اینجاست (خرم‌شاهی، ۱۳۸۵: ۱۱۶۷). در فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی درباره عشق نوشته است: «عشق، شوق مفرط و میل شدید به چیزی است. عشق آتشی است که در قلب واقع شود و محبوب را بسوزد. عشق دریای بلا و جنون الهی و قیام قلب است با معشوق

بلاواسطه» (سجادی، ۱۳۷۵: ۵۸۱). از نظر تاریخی در ایران، دوران پس از سنایی دوران تحول در چگونگی و بیان مضمون عشق به شمار می‌رود. از این زمان به بعد، سخن از عشق به معبودی الهی در ادبیات به میان می‌آید. «معشوق و معبود و مرکز اندیشه عارفان و سوزوگداز آنان، ذات یگانه خداوند و وحدت وجود کامل و جامع اوست که مصدر و مبدأ ازلی و منشأ کل وجود است. در راه این عشق، هر موجودی وقتی کامل می‌شود که از رذایل و تعلقات این جهانی فارغ گردد و حتی خود را نیز در میان نبیند و با رسیدن به فنای کامل به وجود کل و مبدأ نخستین پیوندد و به بقای جاوید دست یابد، چه تنها اوست که چنان‌که ازلی است ابدی نیز هست» (زرین‌کوب، ۱۳۷۸: ۳۱۰).

عشق مجازی همان عشق ظاهری است «مانند عشقی که در موجودات زنده سبب جلب و جذب یکی دیگر می‌شود و نتیجه این جذب و انجذاب، بقای نسل و نوع است (معین، ۱۳۷۲: ۲۳۰۴). عشق حقیقی در مقابل عشق مجازی قرار دارد و معنای آن عشقی است که انسان به خداوند دارد؛ بنابراین عشق حقیقی همان عشق الهی است. «عشق حقیقی یا عشق الهی فیض و جذبه‌ای است که از طرف معشوق مطلق بر دل عاشق صادق فروود می‌آید» (نوربخش، ۱۳۸۴: ۳۳).

نمودار ۳ نشان‌دهنده ارزش و اهمیت معشوق در این اشعار است. زیب مگسی در اغلب اشعار خود به توصیف معشوق پرداخته و از زیبایی‌های ظاهری وی و اخلاق و رفتار او تعریف کرده است و البته این تعاریف شامل جفا و بی‌وفایی و سنگدلی نیز هست. بسامد ویژگی معشوق در شعر وی ۳۵ درصد است، اما ویژگی عاشق و وضعیت او تنها ۲۰ درصد یعنی تقریباً نصف معشوق بسامد دارد. ابیات مربوط به وصال ۱۱ درصد و هجران ۵ درصد است و مشخص است که امید وی به وصال بیش از درد هجران است. وصف عشق نیز در شعر وی ۲۹ درصد بسامد دارد. این آمار نشان‌دهنده این است که دنیای عشق بر پایه معشوق بنا شده و از این رو مباحث مربوط به وی بیشتر شاعر را درگیر خود کرده است.

۲-۳-۴. وصف عشق

زیب مگسی در اشعار خود عشق را به نحوی به کار می‌برد که نمی‌توان آن را مجازی دانست عشق در آثار او غالباً با ویژگی‌های معنوی می‌آید. توصیف او از عشق چنین است که عشق

را دارای قدرت بی‌نهایت می‌داند که بر همه فرمان می‌راند و درعین حال همه مغلوب او هستند و شاه و گدا در نظرش فرقی ندارد. در واقع عشق را تشبیه به سلطان کرده است.
عشق سلطان است کاو عاجز کند فغفور را افکند پیش ایاز آن سرور مشهور را
(زیب مگسی، ۱۹۹۶م: ۸)

درعین حال عشق و محبت هوش را از انسان می‌گیرد و او را بنده خود می‌سازد و آتش به پا می‌کند و قاتل است. محبت استعاره مکنیه است و مانند انسانی می‌تواند تأثیرات منفی بر جای بگذارد، درعوض شعله‌ای ایجاد می‌کند که فقط مخصوص عاشقان است:
محبت هوش کم سازد محبت فتنه انگیزد محبت آتش افروزد محبت خون‌ها ریزد
فشاند برق‌سان شعله کسی کش عشق آویزد گر از دل هر نفس این آه عالم‌سوز برخیزد
(همان: ۱۴)

او گاهی عشق را به شراب تشبیه می‌کند که موجب سرخوشی است و گاهی آن را آتشی سوزنده می‌داند. این تشبیهات در سراسر دوران سرایش شعر فارسی سابقه دارد و تأثیرپذیری این شاعر را از شعرای پیش از خود نشان می‌دهد. همچنین محبت را به آتش تشبیه کرده است:

از شراب عشق تو ای ساقیم مخمور و مست در خیالت پخته‌ام دارم در این ره سر به دست
(همان: ۲۱)
درون نار محبت چو شمع سوزانم چو برق مضطربم رعدسان خروشانم
(همان: ۲۰)

تشبیه عشق به دریای بی‌نهایت (همان: ۶۲)، قدرت عشق (همان: ۸ و ۶۲)، تازیانه عشق (همان: ۷) و عشق زیبا (همان: ۱۵).

۲-۳-۴-۲. وصف عاشق

عاشق همواره بی‌صبر و آشفته‌حال است و در حال گریه و زاری. این ویژگی نیز در شعر زیب، کلیشه‌ای است و نمی‌توان تفاوتی میان شعر وی و شاعران سبک عراقی قائل شد. اشعار زمینی وی غالباً همین مضمون را دارد، زیرا معشوق توجهی به وی ندارد و او در

هجران، نالان و گریان است. در ابیات زیر صور خیال تشبیه و استعاره به کار رفته است و شاعر صبر را چون خرمی می‌داند که با برق چهره یار سوخته است و فراقش همچون باد گرمی است که او را همچون گیاه زرد و رنجور کرده است. اشک را به طفلی تشبیه کرده که با یاد یار به صحرا می‌رود و چنان می‌گردد که صحرا را دریا می‌کند:

برق رخسار تو کرده خرم صبرم تباه از سموم فرقت تو زرد گشتم چون گیاه
هر شب از یاد تو بیرون دیده دریا آورد طفل اشکم گر به بازی رو به صحرا آورد
(همان: ۱۱)

این زیب می‌ماند حزین هم روز و شب گریان همی دمد تصور می‌کند شکل شکرخندان همی
(همان: ۱۵)

عاشق همواره دچار ناله و افغان است. در این بیت عاشق به بلبل تشبیه شده که عاشق گل می‌شود و از این رو دائم ناله می‌کند:

کسی کاو نیست بلبل نیستش فکر گلستانش نیفتد تا کسی در عشق نبود آه و افغانش
(همان: ۱۱۴)

۲-۳-۴. وصف معشوق

معشوق در شعر زیب مگسی همان معشوق غزل فارسی است که در شعر پیشینیان هم شاهد آن هستیم. او نیز اعضای بدن معشوق را توصیف نموده و جمال یار خود را بی‌همتا می‌داند. هیچ‌کس مثل او نیست و عناصر زیبای طبیعت در برابر زیبایی او شرمسارند. این محبوب در هیچ جای دنیا نظیر ندارد و ویژگی‌های اخلاقی او هم بی‌همتا است. با آوردن تشبیه ترجیح مشخص است که قد و قامت یار خود را وصف می‌کند و در ابیات بعدی نیز توصیف چهره و خط یار است که نشان‌دهنده مذکر بودن معشوق است:

بکند قامت محبوب خجل طویی را آب خجلت بود از روش گل رعنا را
(همان: ۶)

خط مشکینت رشک عنبر و ریحان روی رعنایت رشک جنت رضوان
(همان: ۱۱۱)

معشوق همواره ناز دارد و به عشاق جفا می‌کند و این موضوع در همه ادوار یکسان است، تنها تعامل عاشق است که گاهی در سبک‌های مختلف تغییر می‌کند؛ اما گل محمدخان

چنین دگرگونی‌ای را ندارد. در عین عاشقی و تمنای وصال، با جفا هم می‌سازد.
 من به تو مایل جهان با مال و زر مایل بسی من تو را ذاکر بسی و تو ز من غافل بسی
 (همان: ۸)

۲-۳-۴. وصال

وصل در شعر فارسی کم اتفاق می‌افتد اما شاعران به وصال امید دارند و در تخیل خود وصال را می‌پرورند و آن را شیرین می‌بینند. زیب این روز را دیده و از آن بهره‌مند شده است و روز وصال را مانند عید می‌داند:

آه دیدم چمن وصل از او گل چیدم به خدا روز وصالست صباح عیدم
 (همان: ۱۱)

معشوق شعر وی احوال او را هم می‌پرسد؛ اما در عین حال ناز پیشه می‌سازد؛ ولی شاعر می‌داند که تنها راه رهایی از غم، وصال اوست:

به غیر وصل تو نیز ما را نباشد از قید غم رهایی
 به ناز گفתי فلان کجایی چه بود حالت در این جدایی
 (همان: ۱۳)

گاهی وصال تنها با یک دیدار حاصل می‌شود و در این دیدار دل و جان از دست می‌رود و در واقع عاشق در عین زبان، از عشق معشوق سود می‌برد. دل و جان عاشق شخصیت پیدا کرده و با دیدن معشوق از جای خود بلند می‌شوند. عشق نیز همچون شیئی خریدنی تصور شده که شاعر جان و دل را به بهای آن داده است، اما با دیدن معشوق دیگر دل و جانی ندارد که پرداخت کند:

عشق معشوق به جان و دل خود بخریدم جان و دل گرچه ز جارت چو رویش دیدم
 (همان: ۶)

۲-۳-۵. هجران

هجران از مضامین پربسامد شعر عاشقانه است و زیب مگسی هم از این امر مستثنا نیست. در عشق مجازی غالباً آرزوی وصال وجود دارد؛ اما عاشق همیشه در هجران و ناله و زاری به سر می‌برد. ممکن است کلمه هجر یا دوری مستقیم به کار نرود، اما گله و شکایت از یار یا

گریه و ناله مؤید این معناست:

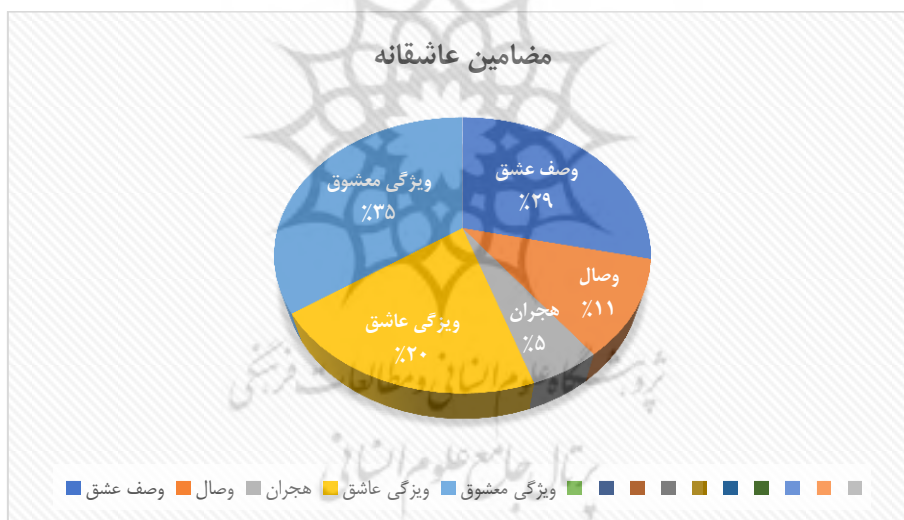
اثر از درد ما در خاطر دلبر نمی‌آید دلم تنگ است لیکن دلربا از در نمی‌آید
(همان: ۱۳)

بیت زیر عقل را به یوسف(ع) تشبیه نموده که اسیر زیبایی یار شده و در آن گرفتار گشته است. این بیت نشان‌دهنده ضعیف بودن عقل در برابر عشق است:

دل از جوش محبت دید وقت بارها هم تب فتاده یوسف عقل سلیمم در چه غیب
(همان)

جدول ۵: بسامد مضامین عاشقانه

مضمون	وصف عشق	وصف عاشق	وصف معشوق	وصل	هجر	کل
بسامد	۸۴	۶۰	۱۰۲	۳۳	۱۵	۳۰۹



نمودار ۵: بسامد مضامین عاشقانه

۲-۳-۵. مضامین دینی

تردید نیست که آبخور عمده افکار و اندیشه‌های زیب قرآن بوده است و آنچه می‌تواند پشتوانه این مدعا قرار گیرد، علاوه بر وفور مضامین موضوعات قرآنی در مجموعه اشعار زیب شیوه و تبحر زیب در استفاده از آیات و استدلال به آن‌ها در آثارش است. به همین دلیل

پیوند معنوی میان شعر وی و عناصر دینی از طریق بیان اخلاقیات و مضامین عرفانی هم برقرار است و در موارد بسیاری هم مضامین دینی مستقیماً به کار رفته است. در میان مضامین دینی، تسبیح با ۲۶ درصد بیشترین بسامد را دارد و پس از آن فضل خدا ۱۶ درصد، منقبت اولیا ۱۴ درصد، صنع خدا و خداجویی ۱۳ درصد، نیاز به لطف خدا ۶ درصد، و سایر موارد تنها ۳ درصد بسامد دارد (نمودار ۵).

۲-۳-۵-۱. ذکر خدا

یاد خداوند مرهم زخم دل‌های مجروح است:

به ذکر او گذر از ذکر فتاحان و مفتوحان که ذکر او بود مرهم برای زخم مجروحان
مشو غافل برنشد گر به خفتگاه مذبحان گران‌جانی مکن هرگز که در بزم سبک‌روحان
(همان: ۲۰۷)

۲-۳-۵-۲. نیازمندی به خدا

او بندگان را در هر حال نیازمند به خدا می‌داند؛ زیرا بندگان هرچقدر مانند فرعون قدرت داشته باشند بازهم تحت اراده خداوند قرار دارند:

واجب بود نیاز بر او به کل حال مغروق نیل گشت به فرمان ذوالجلال
فرعون را اگرچه سریر و سپاه بود

(همان: ۱۴۹)

۲-۳-۵-۳. قدرت خداوند در آفرینش

وی برای نشان دادن قدرت خداوند از نعمت‌های همگانی او یاد می‌کند که تنها از خداوند برمی‌آید:

در روز آفتاب به انوار جلوه‌گر در شب فروغ انجم هم‌جلوه‌قمر
از کوه آب پیدا از آب ارض تر از ارض سبزه پیدا از سبزه‌ها ثمر
از قطره آدمی و هم از رشحه گهر از سنگ لعل پیدا وز خاک سیم و زر

(همو، ۱۹۹۵: ۱۴۹)

۲-۳-۵-۴. منقبت اولیا

شعری که در منقبت امام علی(ع) سروده، حاوی مطالبی همچون اشعار عاشقانه است و از

مناقب امام و معنویت وی سخنی نگفته است، و اگر نام منقبت بر آن نباشد قابل تشخیص از ابیاتی که در وصف معشوق سروده نیست:

قصیده مصنوع در منقبت امیرالمؤمنین مولا علی کرم الله وجهه

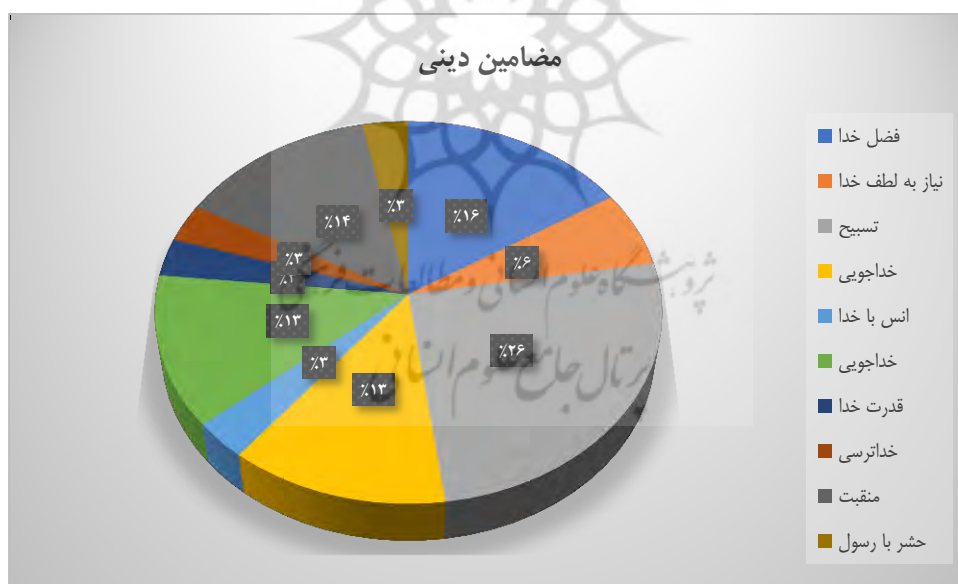
تونی محبوب هم مرغوب هم مطلوب دل پرور تونی جانان و جان جان و یوسف شأن در محضر

لبت یاقوت یا شه توت تن ماحوت بل الملس رخت لا له خطت هاله منم واله تونی دلبر

(همان: ۱۹۳)

جدول ۶: بسامد مضامین دینی

مضامین	فضل خدا	نیاز به لطف خدا	تسبیح	خدا ترسی	انس با خدا	قدرت خدا	حشر با رسول	منقبت	خداجویی	کل
بسامد	۱۵	۶	۲۴	۳	۳	۶	۳	۱۳	۱۲	۸۵



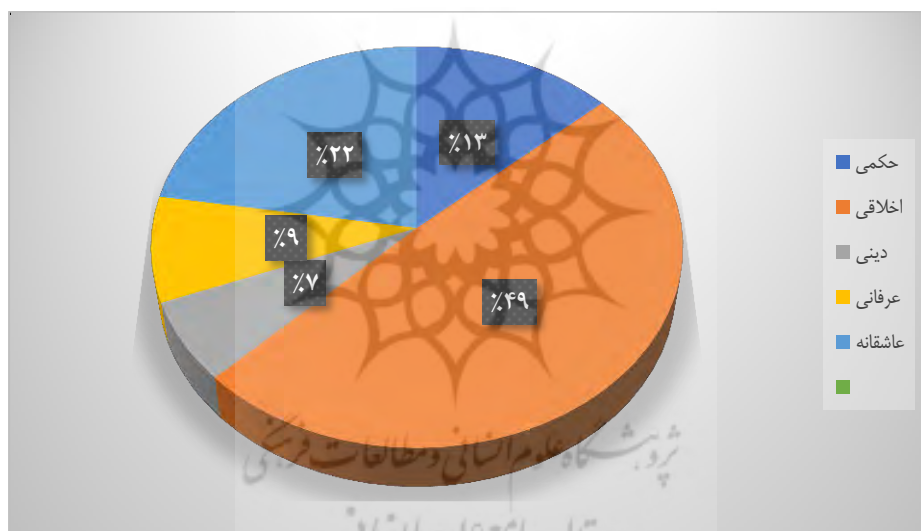
نمودار ۶: بسامد مضامین دینی

۲-۳-۶. مقایسه بسامد مضامین

در نمودار ۷ کل مضامین باهم مقایسه شده و نشانگر بسامد بالای مضامین اخلاقی است که حدود ۴۹ درصد اشعار را تشکیل می دهد. پس از آن مضامین عاشقانه ۲۲ درصد، مضامین حکمی ۱۳ درصد، عرفانی ۹ درصد و دینی ۷ درصد است که گاهی نیز مضامین عاشقانه و عارفانه در هم ادغام می شوند و معشوق شاعر همان معشوق عرفانی است.

جدول ۷: مقایسه بسامدها

مضامین	حکمی	اخلاقی	دینی	عرفانی	عاشقانه
بسامدها	۱۷۵	۶۴۵	۸۵	۱۱۱	۲۹۴



نمودار ۷: مقایسه بسامد مضامین اشعار

۳. نتیجه گیری

این مقاله حاصل تحقیق و بررسی اشعار گل محمدخان زیب مگسی شاعر بلندآوازه بلوچ و از شاعران صاحب نام معاصر است. با پژوهش درباره درون مایه های شعر وی مشخص شد این شاعر اهل عرفان و تصوف بوده و شاعران زمانش لقب ملک الشعرا به او داده اند؛ زیرا طبع وی بسیار روان و خلاق است و اشعارش را با صنایع مختلف آمیخته و علاوه بر کاربرد صور

خیال از صنایع عجیب شعری و التزامات تکلف‌آمیز نیز استفاده کرده است. وی در کتاب *خزینة الاشعار* اغلب غزل‌های شاعران معروف را تضمین نموده و براساس وزن و قافیه آن‌ها ساختار شعر را شکل داده و از نظر محتوا نیز تابع آن‌هاست. از این رو اغلب اشعار وی دارای مضامین عرفانی، عاشقانه، صوفیانه و قلندری است. در کتاب *زیب‌نامه* نیز که بیشتر غزلیات اوست، همین مضامین را به کار برده و کلیت شعر او متمایل به عرفان و تصوف است. از این رو مؤلفه‌های اخلاقی، عرفانی و اصطلاحات مربوط به عرفان و تصوف را در این دو کتاب فراوان می‌بینیم. مضمون دیگری که در این اشعار یافت می‌شود، عشق است که همان عشق عرفانی است که به سبک شاعران عاشقانه و عارفانه‌سرا سروده شده و شامل توصیف عشق و ارزش آن و همچنین ویژگی‌های عاشق و معشوق است که یادآور اشعار کلاسیک فارسی است و به تقلید از شاعران پیشین سروده شده و از نظر مضمون و صور خیال تفاوتی با آن‌ها ندارد. اهمیت این اشعار برخی نوآوری‌ها در ایجاد بحور عروضی و صنایع مختلف شعری است که این دو اثر را خاص نموده است. در بررسی آماری این اشعار از نظر بسامد مضامین به‌کاررفته و درون‌مایه‌ها به این نتیجه رسیدیم که مضمون اخلاق بیش از همه مضامین در این دو کتاب کاربرد دارد و حدود نیمی از سروده‌های وی حاوی مضامین اخلاقی است. علاوه بر آن شاعر در ذیل اشعار عرفانی و عاشقانه به مضامین دیگر از جمله مضامین حکمی و دینی نیز پرداخته است. درون‌مایه اشعار وی همانند سایر شاعران عارف، متمایل به اخلاقیات و منع دنیاپرستی و دوری از مادیات و تأکید بر ناپایداری دنیاست.

منابع

۱. ابراهیمیان، حجت‌الله. (۱۳۷۸). *حدیث دل (تذکره شعرای پارسی‌گوی بلوچستان)*. کویت: خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران.
۲. انصاری، خواجه عبدالله. (۱۳۸۲). *مناجات‌نامه*. کرمان: خدمات فرهنگی کرمان.
۳. خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۸۵). *حافظ‌نامه*. چ ۱۱. ویراست دوم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۴. خلیلی جهان تیغ، مریم. (۱۳۹۳). احوال و آثار زیب مگسی و دیوان نویافته او. با همکاری علی کمال قزلباش. مشهد: مرندیز، زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۵. رضوی، سید سبط حسن. (۱۳۵۳). فارسی گویان پاکستان. راولپندی: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
۶. ریاض، محمد. (۱۳۵۴). شعر فارسی و خدمات زیب مگسی. نشریه معارف اسلامی، دوره جدید، شماره ۲۱، ۷۶-۸۸.
۷. زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۸). ارزش میراث صوفیه. چ ۱۲. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۸. زیب مگسی، گل محمد. (۱۹۹۶م). خزینة الاشعار. با مقدمه پروفیسور شرافت عباس. انجمن فارسی بلوچستان.
۹. زیب مگسی، گل محمد. (۱۹۹۵م). زیب نامه. مقدمه پروفیسور شرافت عباس. بلوچستان: انجمن فارسی بلوچستان.
۱۰. سجادی، سید جعفر. (۱۳۸۹). فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی. تهران: طهوری.
۱۱. سهروردی، شهاب الدین. (۱۳۷۵). عوارف المعارف. چ ۲. تهران: علمی و فرهنگی.
۱۲. شجاع زاده، ناصر. (۱۳۹۵). بررسی عناصر پنج گانه شعری در دیوان گل محمدخان زیب مگسی. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۱۳. شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۶). موسیقی شعر. تهران: آگاه.
۱۴. عباس، سید شرافت. (۱۹۹۹م). بلوچستان مین فارسی شاعری کی پچاس سال. کویت، کوژک پبلشرز.
۱۵. علی شاه. (۱۳۸۳). زیب مگسی سخن سرای برجسته قرن چهاردهم هجری. دانش اسلام آباد. فصلنامه مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، شماره ۷۵-۷۴، ۷۴-۱۶۳-۱۷۴.
۱۶. کوثر. (۱۹۶۸م). انعام الحق. بلوچستان مین فارسی شاعری، کویت: آکادمی بلوچی.
۱۷. معین، محمد. (۱۳۷۲). فرهنگ معین. تهران: امیرکبیر.

۱۸. مولوی، جلال‌الدین محمد بلخی. (۱۳۸۴). دیوان شمس. تهران: طلایه.

۱۹. نوربخش، جواد. (۱۳۸۴). در خرابات. تهران: یلدا قلم.

